



Evaluating the Authority of Exegetical Hadith Sources: A Methodological Framework for Enhancing the Reliability of Attribution to Infallible Authorities (Wuthūq al-Şudūr)

Yazdan Jafari ¹
Ali Akbar Babaei ²

Abstract

Exegetical hadiths (riwāyāt tafsīrī), as invaluable treasures, play a fundamental role in deepening the understanding of the Qur'anic sciences. However, the diversity and multiplicity of these narrations, alongside the possibility of weak or forged traditions, accentuate the necessity of a rigorous evaluation of the authority (i'tibār) of their sources. This research, aiming to provide a comprehensive and efficient model for assessing the authority of exegetical narrations, examines various dimensions of this issue and elaborates on the criteria for evaluating such traditions. Adopting an innovative approach, this study analyzes two main methodologies in the field of hadith authentication: the examination of the chain of transmitters (the sanad-based approach) and the content-based indicators of the narration (the şudūr-based approach, i.e., reliability of issuance). In this regard, evaluation criteria, analysis of various narrations, and practical strategies for authentication are considered. The findings indicate that the authority of exegetical hadith sources depends, in addition to the reliability (thiqah) of the transmitters, on other factors such as reassuring indications (qarā'in i'tmi'nān-bakhsh), the frequency of transmission by prominent scholars, attention to the author's teachers and students, the content of the traditions, access to manuscripts, bibliographers' explicit statements, and the conformity of the narrations with other authoritative copies. The authentication of exegetical narrations, as one of the most fundamental needs of Islamic research, not only helps resolve ambiguities and clarify complex issues but also contributes to strengthening the ethical and epistemological foundations of religious studies. By providing well-documented answers to key questions in this field, this research paves the way for future studies on the authentication of religious narrations and takes an effective step toward achieving a deeper understanding of the Qur'anic sciences.

Keywords: Source Authority, Issuance Authenticity (Wuthūq al-Şudūr), Exegetical Narrations (Riwāyāt Tafsīrī), Author, Source Criticism (Ma'khaz-shināsī), Sanad-Based Approach (Authenticity of the Chain of Transmission), Şudūr-Based Approach. (Authenticity of Attribution).

Citation: Jafari, Y., Babaei, A. (2026). "Evaluating the Authority of Exegetical Hadith Sources: A Methodological Framework for Enhancing the Reliability of Attribution to Infallible Authorities (Wuthūq al-Şudūr)". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (1), 4-22. (In Persian)

* Received: 2025/09/28, Revised: 2025/12/13, Accepted: 2026/01/14.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran. Corresponding Author Email: Yazdanjafari@cfu.ac.ir.

2. Professor, Department of Qur'anic Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (Research Institute of Hawzeh and University), Qom, Iran. Email: Ababayi@rihu.ac.ir.



ارزیابی اعتبار مآخذ روایات تفسیری؛ چارچوبی روشمند برای افزایش وثوق به صدور روایات

یزدان جعفری^۱ 

علی اکبر بابایی^۲ 

چکیده

روایات تفسیری، به مثابه گنجینه‌هایی گران‌بها، نقشی بنیادین در فهم ژرفای معارف قرآن کریم ایفا می‌کنند. با این وجود، تنوع و تکثر این روایات، در کنار احتمال وجود روایات ضعیف یا جعلی، ضرورت واکاوی دقیق اعتبار منابع و مآخذ آن‌ها را دوچندان می‌سازد. این پژوهش، با هدف ارائه مدلی جامع و کارآمد برای ارزیابی اعتبار روایات تفسیری، به بررسی ابعاد گوناگون این مسئله پرداخته و معیارهای اعتبارسنجی روایات را به تفصیل شرح می‌دهد. پژوهش حاضر، با رویکردی نوآورانه، ضمن تحلیل و بررسی جوانب مختلف موضوع، به دو رویکرد اصلی در حوزه اعتبارسنجی روایات، یعنی بررسی سلسله مراتب راویان (رویکرد سندی) و شاخص‌های محتوایی روایت (رویکرد صدور)، می‌پردازد. در این راستا، معیارهای ارزیابی، تحلیل روایات گوناگون و ارائه راهکارهای عملی برای اعتبارسنجی، مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که اعتبار مآخذ روایات تفسیری، علاوه بر وثاقت راویان، به عوامل دیگری نظیر: قرائن اطمینان‌بخش، کثرت نقل روایت توسط عالمان برجسته، توجه به اساتید و شاگردان مؤلف، مضمون احادیث، دسترسی به نسخ خطی، تصریح کتاب‌شناسان و تطابق روایات با نسخه‌های معتبر دیگر وابسته است. اعتبارسنجی روایات تفسیری، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای پژوهش‌های اسلامی، نه تنها به رفع ابهامات و تبیین مسائل پیچیده کمک می‌کند، بلکه در تقویت مبانی اخلاقی و معرفتی دین‌پژوهی نیز مؤثر است. این پژوهش، با ارائه پاسخی مستند به پرسش‌های کلیدی در این زمینه، مسیری هموار برای پژوهش‌های آتی در عرصه اعتبارسنجی روایات دینی فراهم می‌سازد و گامی مؤثر در جهت نیل به فهمی عمیق‌تر از معارف قرآن کریم برمی‌دارد.

واژگان کلیدی: اعتبار مآخذ، وثوق به صدور، روایات تفسیری، مؤلف، مأخذشناسی، رویکرد سندی، رویکرد صدور.

استناد: جعفری، یزدان؛ بابایی، علی‌اکبر (۱۴۰۵). «ارزیابی اعتبار مآخذ روایات تفسیری؛ چارچوبی روشمند برای افزایش وثوق به صدور روایات». قرآن‌پژوهی روابی، ۲ (۱)، ۴-۲۲.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Yazdanjafari@cfu.ac.ir.

۲. استاد گروه قرآن‌پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: Ababayi@rihu.ac.ir.

۱- بیان مسئله

روایات تفسیری، به ویژه آن دسته که از معصومان علیهم السلام نقل شده است، همواره در فهم عمیق تر و دقیق تر معارف قرآنی نقش محوری ایفا کرده اند. این روایات با ارائه تفاسیر، احکام و نکات ظریفی که در بین آیات نهفته است، کمک می کنند تا مخاطب به ژرفای معانی قرآن دست یابد. با این حال، به دلیل تنوع روایات - بیش از ۱۴۰۰۰ روایت در منابع مختلف - (فاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۶) و احتمال وجود روایات ضعیف یا جعلی، ضرورت ارزیابی دقیق اعتبار مأخذ آن ها بیش از پیش احساس می شود.

یکی از چالش های اصلی در این زمینه، وجود روایات متعدد با سلسله مراتب گوناگون از نظر استناد و اعتبار است. در این راستا، روایات تفسیری، به دلیل ارتباط مستقیم با تفسیر معانی آیات قرآن و دینی که به آن ها نسبت داده می شود، لازم است با دقت ویژه ای مورد بررسی قرار گیرند. به همین سبب، در این مقاله، تلاش می شود تا ابعاد مختلف اعتبار مأخذ روایات تفسیری تحلیل شود و معیارهای اعتبارسنجی این روایات، به طور دقیق تشریح گردد.

پژوهشگران و مؤلفان، همواره به اهمیت اعتبار روایات در فقه و حدیث توجه داشته اند، اما در مورد تفسیر، به نظر می رسد که بعضی از روایات کم اعتبار، به راحتی مورد استناد قرار می گیرند. این مسئله می تواند به گمراهی در فهم آموزه های دینی منجر شود و در عوض، فرصت های غنی برای استفاده از آموزه های صحیح معصومان از دست برود.

علوم هم چون رجال و اسنادشناسی، برای بررسی سلسله سند روایات و شناخت راویان آن به وجود آمدند. در پژوهش های معاصر نیز با بهره گیری از روش های نوینی همچون تحلیل محتوا و استفاده از نرم افزارهای رایانه ای، گام های بلندی در جهت ارزیابی دقیق تر روایات برداشته شده است. با این حال، با وجود تلاش های صورت گرفته، هم چنان چالش هایی در این حوزه وجود دارد.

یکی از این چالش ها، حجم بالای روایات و تنوع منابع آن هاست که فرآیند ارزیابی را پیچیده می کند. همچنین، وجود معیارهای مختلف و گاه متناقض برای ارزیابی اعتبار روایات، منجر به اختلاف نظر بین پژوهشگران شده است. بنابراین، راجع به روایات تفسیری، جهانی از تنوع و از زوایای مختلف وجود دارد که نیازمند رویکردی علمی و منسجم برای اعتبارسنجی است. از این رو، در مقاله حاضر، ضمن بررسی جوانب مختلف این موضوع، به دو رویکرد اصلی در زمینه اعتبارسنجی روایات، یعنی بررسی سلسله مراتب راویان و شاخص های مربوط به محتوای روایت پرداخته شده است. این پژوهش با هدف ارائه یک مدل جامع برای ارزیابی اعتبار مأخذ روایات تفسیری و افزایش وثوق به صدور این روایات انجام شده است.

پژوهش حاضر، در تلاش است با بررسی دقیق معیارهای ارزیابی، تحلیل روایات مختلف و ارائه راهکارهای عملی، به این هدف دست یابد. با توجه به این موضوع، سؤالات زیر در مرکز توجه قرار خواهد گرفت:

چه عواملی بر اعتبار مأخذ روایات تفسیری تأثیرگذار است؟ چگونه می‌توان اعتبار مأخذ یک روایت تفسیری را ارزیابی کرد؟ چه رابطه‌ای بین اعتبار مأخذ و وثوق به صدور روایت وجود دارد؟ چه راهکارهایی برای افزایش وثوق به صدور روایات تفسیری با توجه به اعتبار مأخذ وجود دارد؟

در این مقاله، تلاش خواهد شد تا با ارائه پاسخی مستند به این سؤالات، جاده‌ای هموار برای پژوهش‌های بعدی در حوزه اعتبارسنجی روایات دینی پر شود. در نتیجه، می‌توان گفت که اعتبارسنجی روایات تفسیری یکی از ضرورت‌های اساسی پژوهش‌های اسلامی است. این اعتبارسنجی نه تنها می‌تواند به روشن شدن برخی از مباحث مبهم کمک کند، بلکه به تقویت مبانی اخلاقی و معرفتی در دین‌پژوهی نیز یاری خواهد رساند.

پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکردی تحلیلی-توصیفی، در پی ارائه چارچوبی روشمند برای ارزیابی اعتبار مأخذ روایات تفسیری است. فرآیند تحقیق، با گردآوری جامع منابع کتابخانه‌ای و دیجیتال، شامل کتب تفسیری، حدیثی، رجالی و نرم‌افزارهای تخصصی، آغاز گشته است. پس از آن، تحلیل محتوایی دقیق روایات، مقایسه و تطبیق آن‌ها با منابع معتبر، و بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران، در دستور کار قرار گرفته است. این رویکرد، امکان استخراج معیارهای ارزیابی اعتبار مأخذ و ارائه چارچوبی جامع را فراهم می‌سازد. در این راستا، بهره‌گیری از ابزارهایی همچون علم رجال، بررسی نسخ خطی و تحلیل محتوا، در کنار استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی و کتابخانه‌های دیجیتال، به دقت و اعتبار پژوهش می‌افزاید.

در ادامه، با تکیه بر یافته‌های تحلیلی، چارچوبی برای ارزیابی اعتبار روایات تفسیری تدوین شده است. این چارچوب، با تأکید بر دو رویکرد سندی و صدور، ضمن ارائه معیارهای مشخص، نحوه استفاده از ابزارهای تحقیق را تبیین می‌نماید. ارزیابی و نقد این چارچوب، با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران، و ارائه مثال‌های کاربردی، از دیگر مراحل این پژوهش است. در نهایت، با ارائه نتایج و پیشنهادها کاربردی، گامی در جهت توسعه روش‌های نوین در ارزیابی اعتبار روایات تفسیری برداشته می‌شود. این پژوهش، با تکیه بر روش‌های علمی و ابزارهای دقیق، در پی ارائه نتایج قابل اعتماد و مستند در زمینه اعتبار مأخذ روایات تفسیری است.

۲- پیشینه تحقیق

اعتبارسنجی روایات تفسیری در میراث کهن شیعه، عمدتاً با دو رویکرد سندمحور (متکی بر دانش رجال و آثاری چون رجال نجاشی و الفهرست طوسی) و محتوامحور (با تأکید بر قرائن اطمینان‌بخش و تطابق با قرآن و سنت) پیگیری شده است. در دوران معاصر، آیت‌الله معرفت در التفسیر الأثری الجامع، با طرح حجیت اخبار آحاد ثقه همراه با قرائن، گامی نو در این عرصه برداشته است.

پژوهش‌های بعدی، همچون مقاله رضایی اصفهانی (۱۳۹۱) با عنوان «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت»، کتاب حاجی احمدی (۱۳۹۹) با عنوان درآمدی بر اعتبارسنجی روایات



تفسیری، و نیز مقاله شهیدی (۲۰۱۶) با عنوان «جستاری در معیارهای اعتبارسنجی روایات تفسیری شیعه»، هر یک به سهم خود به تبیین معیارهای سندی، محتوایی یا نسخه‌شناختی پرداخته‌اند. با این حال، این پژوهش‌ها، غالباً به بررسی این ابعاد به صورت مجزا بسنده کرده و کمتر به رابطه نظام‌مند میان آن‌ها و تأثیر آن بر وثوق به صدور توجه نشان داده‌اند.

مقاله حاضر در سه سطح با پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد: نخست آنکه با یکپارچه‌سازی سه مؤلفه شخصیت مؤلف، استناد نسخه و محتوای روایات در یک مدل تحلیلی، برخلاف تحقیقات جزئی‌نگر پیشین، چارچوبی جامع و چندسویه ارائه می‌دهد. دوم، این چارچوب به مثابه الگویی عام و فراگیر طراحی شده است که برخلاف نقدهای موردی مأخذشناختی، (همچون نقد آقابزرگ تهرانی بر تفسیر قمی) قابلیت کاربست در همه تفاسیر روایی را دارد. سوم، این مقاله برای نخستین بار، نسبت میان اعتبار مأخذ و وثوق به صدور را به عنوان محور اصلی کاوش قرار داده و نشان می‌دهد که وثوق به صدور، نه از مسیر صرف سند یا صرف محتوا، بلکه از تلفیق شواهد بیرونی (مأخذشناسی) و درونی (محتواشناسی) حاصل می‌شود؛ رویکردی که در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، به صورت مستقل و نظام‌مند، دنبال نشده است.

۳- وثوق به صدور روایات

وثوق به صدور، به معنای اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام است. این مفهوم، فراتر از بررسی سند روایت بوده و شامل بررسی محتوای روایت، تطابق آن با سایر روایات و آموزه‌های اسلامی و وجود قرائن اطمینان‌بخش است. به عبارت دیگر، وثوق به صدور به اطمینان از صدور روایت، از منبعی معصوم و بدون تحریف کمک می‌کند.

دو رویکرد اصلی برای بررسی اعتبار روایات تفسیری وجود دارد:

۱- رویکرد سندی: بر اساس این رویکرد، اعتبار یک روایت به وثاقت راویان آن وابسته است. به عبارت دیگر، اگر در سلسله راویان یک روایت، حتی یک نفر غیر ثقه وجود داشته باشد، به طور کلی روایت مردود تلقی می‌شود.

۲- رویکرد صدور: این رویکرد بر قرائن و دلایل اطمینان‌بخشی که نشان می‌دهند روایت از معصوم علیه السلام صادر شده است، تأکید دارد. به عبارت دیگر، حتی اگر در سند روایت، ضعف‌هایی وجود داشته باشد، اما قرائن دیگری نشان دهد که روایت از معصوم علیه السلام صادر شده است، می‌توان به آن اعتماد کرد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۳).

اگرچه رویکرد سندی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما برخی معتقدند که تکیه صرف بر سند برای ارزیابی روایات تفسیری کافی نیست. زیرا بسیاری از روایات با سند ضعیف یا بدون سند نقل شده‌اند، اما از طریق متن می‌توان به آن حدیث اعتبار بخشید (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۰، ص ۴۴-۴۳).

بنابراین، برای ارزیابی جامع اعتبار روایات تفسیری، علاوه بر رویکرد سندی، توجه به رویکرد صدوری و سایر شواهد و قرائن نیز ضروری است.

۴- انواع روایات تفسیری از حیث اعتبار

بررسی اعتبار روایات تفسیری، به‌ویژه اخبار آحاد، از مباحث مهم در حوزه علوم قرآنی است. روایات تفسیری از حیث اعتبار به چهار دسته تقسیم می‌شوند: روایات متواتر که به دلیل قطعیت صدور، مورد اتفاق علما هستند؛ روایات محفوظ به قرائن که با شواهدی نظیر مطابقت با عقل، قرآن، سنت قطعی و اجماع، علم آور بوده و در حکم متواترند (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۲). در مورد روایات آحاد معتبر، دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی مانند شیخ طوسی و آیت الله معرفت، با استناد به اجماع و علم آور بودن اخبار آحاد، حجیت آن‌ها را در تفسیر می‌پذیرند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳؛ معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۹). در مقابل، گروهی مانند شیخ مفید و علامه طباطبایی، حجیت اخبار آحاد را در تفسیر، به دلیل عدم قطعیت و تبعدی بودن آن‌ها، نفی می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۹، ۵۴، ۱۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۳۶۵-۳۶۶).

آیت الله معرفت با نقد دیدگاه مخالفان، معتقد است که اخبار آحاد ثقه، علم عادی ایجاد کرده و در تفسیر نیز حجت هستند. ایشان، اجماع ادعایی بر عدم حجیت اخبار آحاد را به اخبار ضعیف حمل کرده و با استناد به سیره عقلا و روایات ائمه علیهم‌السلام، حجیت اخبار آحاد معتبر را اثبات می‌کنند (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۸). در نهایت، روایات ضعیف که فاقد شرایط اعتبار هستند، از نظر عقلا و علما، چه در فقه و چه در تفسیر، قابل استناد نیستند (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۴).

بنابراین، برای ارزیابی جامع اعتبار روایات تفسیری، علاوه بر رویکرد سندی، توجه به رویکرد صدوری و سایر شواهد و قرائن نیز ضروری است. در بخش بعد، به بررسی دقیق‌تر مأخذ روایات و مؤلفه‌های آن پرداخته شده است.

۴-۱- بررسی اعتبار مأخذ

حال که به اهمیت اعتبارسنجی روایات تفسیری پرداخته شد، در این بخش بررسی دقیق‌تر مأخذ روایات و عوامل مؤثر در آن اهمیت می‌یابد. اعتبار مأخذ، به معنای بررسی و ارزیابی منابعی است که روایات تفسیری از آن‌ها نقل شده‌اند. این مفهوم، شامل بررسی وثاقت نویسنده یا راوی، صحت انتساب روایت به او و اعتبار نسخه‌های خطی یا چاپی مورد استفاده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹). به عبارت دیگر، اعتبار مأخذ کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که روایت از منبعی معتبر و قابل اعتماد نقل شده است. ارزیابی روایات تفسیری، به عنوان یکی از منابع اصلی در تفسیر قرآن، امری پیچیده و حیاتی است. نخستین گام در این مسیر، بررسی دقیق مأخذ روایی است. این اهمیت بدان دلیل است که روایات تفسیری، به عنوان



نقل قول، از معصومان علیهم السلام مطرح شده‌اند و بنابراین، اعتبار سند و صدور آن‌ها به‌طور مستقیم بر اعتبار تفسیر ارائه شده، تأثیرگذار است. در واقع، شناخت دقیق مآخذ روایی، این امکان را می‌دهد تا روایات صحیح و موثق را از روایات ضعیف و ساختگی تفکیک کرده و از سوءاستفاده از روایات برای توجیه عقاید باطل جلوگیری نمود.

دو مؤلفه کلیدی در ارزیابی مآخذ روایی عبارت‌اند از: شخصیت مؤلف و استناد نسخه به مؤلف. شناخت دقیق شخصیت راوی حدیث، از حیث ویژگی‌هایی همچون: عدالت، ضبط، عدل اسناد، عدم تعارض با سایر روایات و آگاهی از معارف اسلامی، امری ضروری است. از سوی دیگر، بررسی تطابق نسخه موجود از روایت با نسخه اصلی و اطمینان از عدم دست‌کاری و تحریف در طول زمان، از دیگر مسائل مهم در ارزیابی اعتبار روایت است. عواملی همچون فاصله زمانی، تعداد واسطه‌ها، روش‌های نسخه‌برداری و مقایسه نسخه‌های مختلف در این زمینه، حائز اهمیت هستند. با بررسی دقیق این دو مؤلفه، می‌توان به ارزیابی دقیق‌تر و جامع‌تری از روایات تفسیری دست یافته و به فهم عمیق‌تر از معارف اسلامی نائل شد. بنابراین، مفسر روایی، لازم است اعتبار مآخذ احادیث تفسیری را از دو حیث مورد بررسی قرار دهد: شخصیت مؤلف و استناد نسخه به مؤلف.

۴-۱-۱- بررسی شخصیت مؤلف

با توجه به اهمیت اعتبار مآخذ و نقش آن در وثوق به صدور روایات، در این بخش به بررسی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ارزیابی مآخذ، یعنی شخصیت مؤلف، پرداخته شده است. نقل سینه به سینه احادیث دیری نپایید که به‌جهت بی‌ثباتی و احتمال فراموشی و خطای شنیداری، از رونق افتاد؛ همین امر، اصحاب و علمای عصر غیبت را بر آن داشت تا برای نقل و گزارش احادیث، از روش کتابت و ثبت آن در اوراق و مصاحف کمک بگیرند. در این میان، یکی از اموری که عالمان حدیث از دیرباز بدان توجه داشته‌اند و می‌تواند بر اعتبار منابع روایی و میزان اعتماد مخاطبان به آن‌ها بیفزاید، جایگاه دینی و علمی مؤلف، وثاقت وی و نیز میزان پابندی او به ضوابط نقل و تألیف نسخه‌های حدیثی است. چنان‌که امام خمینی در نقد آثار روایی محدث نوری - به‌جز مستدرک الوسائل - به ویژگی‌های وی استناد کرده و معتقد است علاقه فراوان او به گردآوری روایات، موجب شده است اخبار ضعیف و مطالبی را که عقل سلیم نمی‌پذیرد، نقل کند؛ ازاین‌رو، این امر در کاهش اعتبار تألیفات برجای‌مانده از او نقش داشته است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۴). این قاعده ریشه در سیره عقلا دارد؛ بدین معنا که آنان در ارزیابی کتاب‌ها و نگاشته‌ها، از آن‌رو که ویژگی‌های مؤلف را در شکل‌گیری و جهت‌دهی محتوای اثر مؤثر می‌دانند، نخست به بررسی اوصاف و ویژگی‌های وی می‌پردازند. ازاین‌رو، شناسایی ویژگی‌های مؤلف که در افزایش یا کاهش اعتماد به متون و منابع حدیثی نقش دارد، افزون بر اطمینان‌آفرینی نسبت به این آثار، زمینه شناسایی امتیازات و شاخصه‌های اختصاصی هر مصدر حدیثی را فراهم ساخته و آن را از سایر منابع متمایز می‌کند (ر.ک:

طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۱-۲۷۴). با توجه به آن که شخصیت مؤلف برای مخاطب ناشناخته است، برای هویدا شدن شخصیت دینی، اخلاقی و رفتاری او، باید به شرح حال نویسان و یا قرائن اطمینان بخش رجوع کرد. در بیان شخصیت مؤلف در کتب رجال دو حالت متصور است:

الف) بیان شخصیت مؤلف: در این حالت، رجال شناسان به بیان شخصیت، حالات، شهرت و وجه اجتماعی و مذهب مؤلف پرداخته اند. از جمله آثاری که به منظور معرفی مؤلفان و تبیین وثاقت آنان تألیف شده اند، فهرست اُسماء مصنفی الشیعة، معروف به رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی هستند که از مهم ترین منابع، در تشخیص وثاقت و اعتبار مؤلفان شیعه به شمار می آیند.

به عنوان نمونه، نجاشی در معرفی علی بن ابراهیم بن هاشم - از محدثان برجسته و مورد اعتماد شیعه در قرن سوم هجری که تفسیر قمی، از آثار ارزشمند وی، همواره مورد توجه عالمان و فقیهان بوده است - وی را به صراحت توثیق کرده و «ثبت، معتمد و صحیح المذهب» دانسته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۰، ش ۲۸۰).

در میان تفاسیر اهل سنت نیز می توان به تفسیر طبری اشاره کرد. ذهبی و ابن حجر عسقلانی وی را موثق و مورد اعتماد دانسته اند (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۴۹۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۰۰). با این حال، مذهب وی در میان دانشمندان محل اختلاف است؛ برخی، همچون ابوحیان، او را از عالمان شیعه دانسته اند و برخی دیگر، همچون ابن حجر عسقلانی، انتساب وی به تشیع را نپذیرفته اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۰۰).

ب) عدم بیان شخصیت مؤلف: گاهی نیز دانشمندان از بیان شخصیت و احوال مؤلف سکوت کرده و درباره وی اظهار نظری نکرده اند؛ مانند حسین بن حکم بن مسلم جبری کوفی (م ۲۸۶ق)، مؤلف تفسیر الحِجری. وی در کتب رجال و فهرست های متقدم معرفی نشده و تنها در ضمن بیان طریق به آثار برخی راویان، نام او در فهرست نجاشی و الفهرست شیخ طوسی آمده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶؛ طوسی، بی تا، ص ۲۱۸). در چنین مواردی، برای دستیابی به وثاقت مؤلف، باید به قرائن اطمینان بخشی که در ادامه خواهد آمد، رجوع کرد.

۴-۱-۲- قرائن مفید در شناخت شخصیت مؤلف

مفسر برای شناخت شخصیت مؤلف، نباید به سخنان رجال شناسان اکتفا کند، بلکه باید در پی قرائن مفید وثاقت مؤلف نیز باشد؛ زیرا این قرائن، اولاً در مواردی که مؤلف از سوی رجال شناسان توثیق شده است، می توانند مؤیدی برای وثوق به صدور و اطمینان به محتوای اثر باشند؛ و ثانیاً در مواردی که رجالیان درباره وی سکوت کرده اند، می توانند در تبیین هویت و جایگاه علمی مؤلف نقش آفرین باشند. این قرائن عبارت اند از:

۱-۲-۱-۴- کثرت نقل روایت از مؤلف، توسط عالمان بزرگ شیعه

چه بسا شخصیت مؤلف در نگاه نخست، مجهول و ناشناخته به نظر آید، اما با بررسی منابع حدیثی، روشن شود که محدثان بزرگ، روایات فراوانی از وی نقل کرده‌اند؛ امری که بیانگر وثاقت و جایگاه مورد اعتماد او نزد عالمان است. گاه نیز سکوت رجالیان در معرفی مؤلف، ناشی از شهرت و وضوح وثاقت وی بوده است و یا توثیقاتی درباره او وجود داشته که به دست ما نرسیده است. از جمله می‌توان به علی بن ابراهیم قمی، مؤلف تفسیر قمی، اشاره کرد که از چنان وثاقت و اعتباری برخوردار بوده است که کلینی، عالم بزرگ شیعه، نزدیک به نیمی از روایات کتاب شریف الکافی را از طریق وی نقل کرده است (شیری، ۱۳۸۲، ج ۷، صص ۷۰۰-۷۰۳). آیت‌الله خویی در مقدمه سوم معجم رجال الحديث، استناد تفسیر القمی موجود به علی بن ابراهیم را قطعی و مسلم دانسته است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۹). و نیز شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه، به شهادت بسیاری از علما در استناد کتاب مذکور به علی بن ابراهیم تصریح کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰، ص ۱۹۳). این امر نشان‌دهنده وثاقت و مورد اعتماد بودن مؤلف نزد بزرگان علم حدیث است.

۱-۲-۲- توجه به شاگردان و اساتید مؤلف

یکی از راهکارهای موثق در شناخت دقیق شخصیت مؤلف و گرایش‌های فکری او، بررسی شبکه پیچیده ارتباطات علمی و شاگردی است. بدین معنا که تفکرات و اندیشه‌های یک عالم دینی، به طور قطع متأثر از آموزه‌های اساتید و تعالیم محیط علمی او بوده و در مقابل، بر شاگردان و پیروانش نیز تأثیرات شگرفی خواهد گذاشت. این رابطه تنگاتنگ میان استاد و شاگرد، همچون زنجیره‌ای است که از یک سو به گذشته و از سوی دیگر به آینده متصل است و می‌تواند سرنخ‌های ارزشمندی را برای شناخت دقیق‌تر شخصیت مؤلف فراهم آورد.

به عنوان مثال، می‌توان به «حسین بن حکم بن مسلم بن حبری کوفی» و تفسیر مشهور او اشاره کرد. اگرچه دانشمندان شیعه در مورد مذهب این مفسر بزرگ اختلاف نظر دارند، اما با بررسی دقیق اساتید و شاگردان وی که عمدتاً از زیدیان بودند، می‌توان به این نتیجه محتمل دست یافت که خود او نیز به مذهب زیدیه گرایش داشته است. این مثال روشن، نشان می‌دهد که چگونه بررسی شبکه ارتباطات علمی، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای روشن شدن ابهامات و حل مسائل پیچیده در حوزه مطالعات رجال و حدیث باشد (مسعودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۶۳).

۱-۲-۳- توجه به مضمون احادیث منقول توسط مؤلف

مؤلفان در تألیفات خود، اغلب به گردآوری مطالبی گرایش دارند که منطبق با منظومه فکری خویش باشد. به عبارت دیگر، پیش فرض‌های اعتقادی مؤلف، ساختار و محتوای آثار او را شکل می‌دهد. به عنوان مثال، ابن کثیر، صاحب تفسیر القرآن العظیم، با گرایش‌های سلفی و پیروی از اندیشه‌های ابن تیمیه، تفسیر خود را بر این مبنا سامان داده است. وی در برخی موارد، در نقل روایات، رویکردی گزینشی اتخاذ می‌کند. این در

حالی است که تفسیر قاعده‌مند و بی‌خطا، مستلزم آن است که مفسر، روایات تفسیری را، اعم از موافق یا مخالف با باورهای خود، به‌صورت جامع ارائه دهد. در صورت وجود روایات متعارض، ارزیابی و ترجیح آن‌ها باید بر اساس معیارهای عقلانی صورت پذیرد، نه بر مبنای تطابق با پیش‌فرض‌های اعتقادی (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۸). چنانکه ابن‌کثیر در ذیل آیه «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)، روایات متعددی را می‌آورد که مراد از آن، روز عرفه است و بر صحت آن تأکید می‌ورزد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۵). این در حالی است که وی تنها به دو روایت در خصوص نزول آیه در روز غدیر اشاره می‌کند؛ با وجود آن‌که این روایات، علاوه بر نقل متواتر در کتب شیعه، در بسیاری از منابع اهل سنت نیز به وفور یافت می‌شود. علامه امینی در اثر ارزشمند الغدير، به‌طور تفصیلی به واقعه غدیر پرداخته و حدیث غدیر را از ۱۱۰ صحابی و ۸۰ تابعی نقل می‌کند. وی همچنین، روایات مربوط به واقعه غدیر را از ۳۶۰ منبع از منابع فریقین، گردآوری کرده است. در این میان، روایات مربوط به نزول آیه «أَكْمَلْتُ لَكُمْ...» در روز غدیر، که موضوع بحث ماست، نیز قابل توجه است. علامه امینی در این زمینه، ۱۶ روایت را در کتاب خود نقل کرده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۴). نتیجه آن‌که با شناخت دقیق شخصیت مؤلف و جایگاه علمی و دینی او، می‌توان به ارزیابی دقیق‌تری از اعتبار روایات منقول از وی دست یافت. در بخش بعدی، به بررسی مؤلفه دیگری از اعتبار مأخذ، یعنی صحت استناد نسخه به مؤلف، پرداخته خواهد شد.

۵- بررسی صحت استناد نسخه به مؤلف

در فرایند پژوهش تفسیری، محقق با چالش تعیین اعتبار نسخه‌های روایی رو به روست. فقدان دسترسی مستقیم به معصومان علیهم‌السلام و تکیه بر روایات نقل شده، ضرورت بررسی دقیق سند روایت را دوچندان می‌کند. نخستین گام در این مسیر، شناسایی مؤلف اصلی نسخه است. پرسشی بنیادین که پیش روی پژوهشگر قرار می‌گیرد، این است که چگونه می‌توان به صحت انتساب یک اثر به مؤلف مشخص، اطمینان حاصل کرد؟ روش‌های گوناگونی برای دستیابی به مؤلف نسخه‌های روایی وجود دارد. با این حال، همواره احتمال تحریف و دستکاری نسخه‌ها در طول زمان، به‌ویژه در نسخه‌های موجود در دوره‌های متأخر، وجود دارد. بنابراین، احتیاط و دقت در این زمینه، امری ضروری است.

این رویکرد نیز، ریشه در سیره عقلا دارد. در مواجهه با هر متنی، نخستین پرسش این است که نگارنده آن کیست؟ چراکه اعتماد به محتوای یک اثر، مستلزم شناخت دقیق مؤلف آن است. این اصل در حوزه مطالعات تفسیری نیز صادق است.

به‌عنوان نمونه، کتاب‌شناسان و رجالیان بر این باورند که «علی بن ابراهیم قمی» مؤلف کتاب تفسیری است. این انتساب بر اساس آثار رجالی مانند رجال نجاشی و فهرست طوسی صورت گرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۰، طوسی، بی‌تا، ص ۸۹). با این حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا نسخه

موجود از تفسیر قمی، عیناً همان نسخه اصلی تألیف شده توسط وی است یا در طول زمان، دستخوش تغییراتی شده است؟

آقابزرگ تهرانی، کتاب شناس نامدار شیعه، با ارائه شواهدی قوی، این فرضیه را مطرح کرده است که تفسیر قمی موجود، ترکیبی از روایات مختلف از جمله روایات علی بن ابراهیم و ابی الجارود است. وی با بررسی سبک نگارش، اسناد روایات و برخی تعابیر خاص به این نتیجه رسیده است. برای اثبات ادعای خویش مستندات را می آورد؛ ایشان می گوید:

اولاً از شیوه نقل احادیث در این تفسیر به دست می آید که مؤلف آن، ابوالفضل «العباس بن محمد» شاگرد علی بن ابراهیم است، به این صورت که در قسمت های مختلف این تفسیر با عبارت «قال» با خطاب غائب، گوینده روایات، علی بن ابراهیم معرفی شده و این در حالی است که اگر نگارنده آن علی بن ابراهیم باشد، ذکر «قال» و خطاب غائب به وی صحیح نیست: «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي»؛ «قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ فُلَانٍ»؛ «قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي»، افزون بر آن در صدر نسخه ای از این تفسیر که در اختیار ما است، پس از مقدمه به نام شاگرد وی تصریح شده که ایشان روایات را از علی بن ابراهیم گزارش کرده است: «حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ...» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷).

ثانیاً از ابتدای سوره بقره تا اوایل سوره آل عمران، یک اسلوب واحد در سند روایات لحاظ شده که همان طریق علی بن ابراهیم است، اما ابتدای سوره آل عمران با تغییر اسلوب، طریق متفاوتی در سند احادیث لحاظ شده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عَيَّاشٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۲) که به گواه مشهور و تصریح شیخ طوسی و نجاشی، این سند همان طریق تفسیر ابی الجارود است.

ثالثاً نگارنده این کتاب در بسیاری از موارد، پس از روایت ابی الجارود یا برخی مشایخ، عباراتی مانند «و رجع إلى تفسیر علی بن ابراهیم» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۲۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۹۱) و «و رجع إلى رواية علی بن ابراهیم» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۰، ۳۱۳، ۳۸۹) و «و رجع الحديث إلى علی بن ابراهیم» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۶) و «و رواية علی بن ابراهیم» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۲۲، ص ۲۹۲، ج ۲، ص ۲۹، ۷۵) به کار برده است. این عبارات نشان می دهند که مؤلف کتاب، شخصی غیر از علی بن ابراهیم است. علاوه بر این، شیخ آقابزرگ تهرانی شواهد دیگری نیز ارائه می کند، از جمله اینکه علی بن ابراهیم در تفسیر خود، با عبارت «حدثني ابن عقدة» از «ابن عقدة» روایت نقل می کند. در حالی که «ابن عقدة»، شاگرد کلینی و کلینی شاگرد علی بن ابراهیم است. بنابراین، نقل روایت علی بن ابراهیم از شاگرد شاگرد خود، درست به نظر نمی رسد. موارد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد (جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۵).

۶- راهکارهای اثبات استناد نسخه به مؤلف

جهان پر آشوب نقل و انتقال معارف دینی، در گذر زمان، با چالش‌هایی جدی همچون عدم دقت در ثبت و ضبط متون و نیز دست‌کاری‌های عمدی و سهوی مواجه شده است. این عوامل، به‌ویژه در حوزه روایات، منجر به ابهام در نسبت‌دهی صحیح روایات به مؤلفان اصلی و حتی حذف کامل برخی از نسخه‌ها شده است. برای برون‌رفت از این پیچیدگی‌ها و رسیدن به شناختی دقیق از منابع دینی، ضرورت تدوین روش‌های علمی و عقلایی برای احراز نسبت نسخه به مؤلف بیش از پیش احساس می‌شود.

در اینجا سه راهکار اساسی برای حل این معضل ارائه شده است. این راهکارها، با تکیه بر اصول روش‌شناسی و با بهره‌گیری از ابزارهای علمی، امکان شناسایی دقیق مؤلفان و ارزیابی اعتبار نسخه‌های مختلف را فراهم می‌آورند.

۱-۶- دستیابی به نُسخ خطی

از دیرباز تا به حال، یکی از روش‌های کارآمد و مطلوب برای استناد به مؤلف، وجود نسخه‌های خطی منتسب به مؤلف نزد دانشمندان و یا وجود آن در کتابخانه‌های معروف است، مانند تفسیر فرات کوفی. شیخ محمدکاظم محمودی در مقدمه آن آورده است که نسخه خطی این تفسیر در هفت کتابخانه معروف جهان اسلام یافت شده است که در مجموع از هشت نسخه خطی این کتاب و دو نسخه چاپی نجف که در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، استفاده کرده است. این نسخ عبارت‌اند از: ۱- کتابخانه سید الحکیم ۲- کتابخانه آیت‌الله بروجردی، قم؛ نسخه آیت‌الله میرزای قمی؛ ۳- کتابخانه نجله، قم؛ نسخه احمد بن محمد رضا علوی حسینی خوانساری؛ ۴- مدرسه فیضیه، قم؛ ۵- کتابخانه رضوی، مشهد؛ ۶- کتابخانه روضاتی، اصفهان، ۷- کتابخانه ملک تهران؛ (فرات بن ابراهیم، ابوالقاسم، تفسیر فرات کوفی، ص ۱۰ و ترجمه، عبدالله، معصومه، حاجی علی اکبری، حکیمه، ص ۱۵) ۸- نسخه دوم در کتابخانه ملک تهران؛ آقابزرگ تهرانی نیز از نسخه‌های فراوان آن در شهرهای تبریز، کاظمین و نجف خبر داده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۹).

۲-۶- تصریح کتاب‌شناسان

کتاب‌شناسان و شرح‌حال‌نویسان که در این رشته، متخصص و مورد اعتمادند، در کاوشی که انجام داده‌اند به بیان نسخه‌ها و نویسندگان‌شان پرداخته‌اند. با رجوع به آن‌ها به راحتی استناد نُسخ به مؤلفان و شرح حالشان، نمایان می‌گردد. به عنوان مثال، تفسیر الصافی که کتاب‌شناسان، عنوان تفسیر آن را الصافی فی تفسیر القرآن و منسوب به فیض کاشانی دانسته‌اند (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۵؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۷۹) یا تفسیر فرات کوفی که شیخ آقابزرگ تهرانی (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۸)، علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۹، ۳۷) و شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ۴۶) بدون هیچ

تردیدی این کتاب را به «فرات بن ابراهیم کوفی» نسبت داده‌اند، در این میان برخی دیگر از تفاسیر است مانند تفسیر قمی که برخی از کتاب‌شناسان در استناد نسخه موجود به مؤلف تردید کرده‌اند (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۰۳).

۳-۶- گزارش روایاتی از این نسخه در نسخه‌های معتبر دیگر

یکی از روش‌های کلیدی در اعتبارسنجی نسخه‌های تفسیری و انتساب آن‌ها به مؤلف، بررسی و تطبیق روایات موجود در آن نسخه‌ها با روایات نقل شده در کتب معتبر دیگر است. در واقع، هدف از این تطبیق، تأیید صحت انتساب بخش‌هایی از نسخه به مؤلف اصلی است. چرا که صرف وجود برخی روایات در جوامع روایی معتبر، نمی‌تواند مجوز استناد تمام روایات یک نسخه به مؤلف باشد. به‌عنوان نمونه، با بررسی نسخه موجود از تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم، مشاهده می‌شود که بخش اصلی این نسخه، کم‌وبیش نیمی از قرآن را در بر می‌گیرد. با این حال، وجود روایات دیگری در این نسخه، تردیدهایی را در انتساب آن به مؤلف ایجاد می‌کند. برای رفع این ابهام، می‌توان با تطبیق و مشابته‌یابی روایات مورد تردید با روایات موجود در جوامع روایی اهل سنت، اعتبار آن‌ها را ارزیابی کرد. محققان برای رفع ابهامات و تناقضات احتمالی، به تطبیق روایات این نسخه با جوامع روایی اهل سنت پرداخته‌اند. گردآورنده این اثر، با اشاره به بخش‌های موجود و مفقود تفسیر، توضیح می‌دهد که برای تکمیل بخش‌های مفقود، به منابعی چون: تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، الدر المنثور سیوطی، فتح الباری و تغلیق التعلیق ابن حجر عسقلانی و فتح القدیر شوکانی مراجعه کرده است. این امر نشان‌دهنده تلاش برای اعتبارسنجی و تکمیل نسخه با استفاده از منابع معتبر است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲).

در مورد «تفسیر فرات کوفی»، با وجود برخی شواهد مبنی بر تردید در انتساب آن به فرات بن ابراهیم، شهرت عملی و استناد گسترده عالمان و محدثان متقدم و متأخر، مانند شیخ صدوق در امالی، حَسْكَانی در شواهد التنزیل، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه و علامه مجلسی در بحارالانوار، به این تفسیر، می‌تواند قرینه‌ای قوی بر اعتبار بخشی از روایات مندرج در آن باشد. این عالمان، با دسترسی به نسخه‌های معتبر، روایات فراوانی از این تفسیر نقل کرده‌اند که نشان‌دهنده اعتماد آن‌ها به این منبع است.

در مجموع، اعتبارسنجی نسخه‌های تفسیری و انتساب آن‌ها به مؤلف، نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه روایات، تطبیق آن‌ها با کتب معتبر و توجه به قرائن و شواهد موجود است.

جدول ۱ - جریان بررسی مأخذ روایات تفسیری

مرحله تحقیق	شرح مرحله	روش‌های اجرایی و ابزارها	چالش‌ها و نحوه غلبه بر آنها
۱. گردآوری منابع	جمع‌آوری و بررسی منابع مرتبط با موضوع، شامل کتب تفسیری، حدیثی، رجالی، تاریخی و کتاب‌شناسی.	استفاده از کتابخانه‌های تخصصی و عمومی. جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر (نورمگز، سیویلیکا، پرتال جامع علوم انسانی). بهره‌گیری از نرم‌افزارهای حدیثی و کتابخانه‌های دیجیتال (درایة النور و...).	چالش: دسترسی به منابع کمیاب و نسخ خطی. غلبه: استفاده از کتابخانه‌های دیجیتال، ارتباط با محققان و کتابخانه‌های تخصصی.
۲. تحلیل و بررسی روایات	بررسی و تحلیل محتوای روایات تفسیری با تمرکز بر مأخذ و سند آنها، مقایسه و تطبیق روایات با یکدیگر و با سایر منابع معتبر.	مطالعه دقیق متن روایات و بررسی سند آنها. استفاده از منابع رجالی برای بررسی وثاقت راویان. مقایسه روایات با سایر روایات.	چالش: وجود روایات متعارض و مبهم. غلبه: استفاده از قواعد ترجیح و جمع بین روایات، مراجعه به جوامع روایی معتبر و

دیدگاه‌های صاحب‌نظران.			
چالش: وجود اختلاف نظر بین صاحب‌نظران در مورد معیارهای ارزیابی. غلبه: ارائه چارچوبی جامع و انعطاف‌پذیر که بتواند دیدگاه‌های مختلف را در نظر بگیرد.	بررسی و تحلیل دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد معیارهای ارزیابی روایات. استخراج معیارهای ارزیابی از منابع رجالی، حدیثی و تفسیری. تدوین چارچوب ارزیابی با تأکید بر دو رویکرد سندی و صدور.	استخراج و تبیین معیارهای ارزیابی اعتبار مآخذ روایات تفسیری بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل منابع و روایات، ارائه چارچوبی جامع و روشمند برای ارزیابی اعتبار روایات تفسیری.	۳. تبیین چهارچوب ارزیابی
چالش: محدودیت‌های زمانی و امکانات پژوهشی. غلبه: تمرکز بر مهم‌ترین و کاربردی‌ترین جنبه‌های چارچوب ارزیابی.	بررسی و تحلیل دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد چارچوب ارائه شده. ارائه مثال‌هایی از روایات تفسیری که با استفاده از چارچوب ارائه شده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.	ارزیابی و نقد چارچوب ارائه شده با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و با هدف ارائه پیشنهادها کاربردی برای پژوهش‌های آتی.	۴. ارزیابی و نقد
چالش: ارائه پیشنهادها	بازبینی و جمع‌بندی	ارائه نتایج و دستاوردهای اصلی پژوهش با تأکید بر اهمیت ارزیابی اعتبار روایات تفسیری در فهم صحیح معارف	۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

کاربردی و قابل اجرا.	یافته‌های پژوهش.	قرآن کریم، ارائه پیشنهادها کاربردی برای پژوهش‌های آتی در زمینه ارزیابی اعتبار روایات تفسیری و توسعه روش‌های نوین در این حوزه.	
غلبه: مشورت با محققان و صاحب‌نظران در زمینه ارائه پیشنهادها.	تدوین نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها کاربردی.		

۷- توضیحات تکمیلی

۱- نحوه استفاده از منابع رجالی: در مرحله دوم، از منابع رجالی مانند رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی و معجم رجال الحديث و... برای بررسی وثاقت راویان استفاده می‌شود. با مراجعه به این منابع، می‌توان اطلاعاتی در مورد زندگی، شخصیت، اساتید و شاگردان راویان و همچنین دیدگاه‌های علمای رجال در مورد آنها به دست آورد.

۲- نحوه استفاده از نسخ خطی: در مرحله اول، برای دسترسی به نسخ خطی، از کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های اطلاعاتی مانند مرکز نسخ خطی کتابخانه ملی ایران استفاده می‌شود. پس از دسترسی به نسخ خطی، آنها با نسخه‌های چاپی و سایر منابع معتبر مقایسه می‌شوند تا اختلافات و اشتباهات احتمالی مشخص شوند.

۳- نحوه استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای: در مراحل مختلف پژوهش، از نرم‌افزارهای حدیثی مانند درایة النور و جامع الأحادیث و... برای جستجو، مقایسه و تحلیل روایات استفاده می‌شود. این نرم‌افزارها امکان جستجوی سریع و دقیق در منابع حدیثی را فراهم می‌کنند و به محققان کمک می‌کنند تا به روایات مورد نظر خود دسترسی پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

۱. پژوهش حاضر با بررسی دقیق اعتبار مأخذ روایات تفسیری، به نتایج مهمی دست یافت. روایات تفسیری، به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند از معارف اسلامی، به دلیل چالش‌های تاریخی در ثبت و ضبط دقیق و نیز تفاوت‌های ساختاری با روایات فقهی، نیازمند ارزیابی‌های دقیق و موشکافانه‌تری هستند. برای اطمینان از اصالت و صدور این روایات از معصومان علیهم‌السلام، بهره‌گیری از ابزارها و قواعدی مستحکم و دقیق ضروری است.



۲. در این پژوهش، چارچوبی جامع برای ارزیابی اعتبار مآخذ روایات تفسیری ارائه شد. این چارچوب، شامل دو مسیر اصلی است: نخست، شناخت دقیق شخصیت مؤلف یا راوی حدیث که از طریق قرائن بیرونی (مانند: کثرت نقل روایت توسط بزرگان علم حدیث، بررسی روابط شاگردی و استادی مؤلف) و تحلیل عمیق مضمون احادیث منقول توسط وی حاصل می‌شود. دوم، بررسی صحت استناد نسخه موجود به مؤلف اصلی که با استفاده از راهکارهایی مانند دسترسی به نسخ خطی قدیمی و معتبر، بررسی می‌شود. ۳. نظر کتاب‌شناسان و محققان برجسته و مقایسه روایات با دیگر نسخه‌ها انجام می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعتبار یک روایت، تنها به سلسله سند آن محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از شواهد و قرائن داخلی و خارجی است که در کنار هم اصالت و صدور آن را تأیید یا رد می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برای ارزیابی اعتبار روایات تفسیری، باید به طور همه‌جانبه به عواملی مانند: وثاقت راویان، محتوای روایت، تطابق با سایر روایات و آموزه‌های اسلامی، شرایط تاریخی و اجتماعی صدور روایت و صحت استناد نسخه به مؤلف توجه کرد.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود:

۱. بررسی اعتبار روایات تفسیری در منابع خاص، مانند تفاسیر روایی متقدم یا متأخر، با استفاده از چارچوب ارائه‌شده در این پژوهش.

۲. مقایسه و ارزیابی روایات تفسیری با روایات فقهی و کلامی، به منظور بررسی تطابق و تعارض میان آن‌ها. ۳. استفاده از روش‌های نوین، مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی و داده‌کاوی، در ارزیابی اعتبار روایات تفسیری.

۴. توسعه نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای تسهیل فرآیند اعتبارسنجی روایات تفسیری، با استفاده از معیارهای ارائه‌شده در این پژوهش.

در پایان، می‌توان گفت که روایات تفسیری، به عنوان یکی از منابع اصلی تفسیر قرآن، از جایگاه ویژه‌ای در معارف اسلامی برخوردارند. با این حال، استفاده صحیح و بهره‌مندی از این گنجینه عظیم، مستلزم بررسی دقیق و ظریف مآخذ و اعتبار آن‌هاست. با اتکا به روش‌های علمی و ابزارهای دقیق، می‌توان به نتایج قابل اعتماد و مستندی در این زمینه دست یافت و از این طریق، گامی مهم در جهت فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر معارف قرآنی برداشت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد طیب، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ق). لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). الغدير فی الكتاب و السنّة و الأدب، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة.
۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، گردآورنده: احمد حسینی اشکوری، بیروت: دار الأنواء.
۶. بابایی، علی اکبر (۱۳۹۱). مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت.
۸. خرازی، محسن (۱۴۲۲ق). عمدة الأصول، قم: مؤسسه در راه حق.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). معجم الرجال الحديث، قم: آثار شیعه.
۱۰. _____ (۱۴۲۸ق). غایة المأمول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۱). «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، حدیث پژوهی، شماره ۵، صص ۱۶۷-۱۸۶.
۱۳. شبیری، سید محمد جواد (۱۳۸۲). مدخل علی بن ابراهیم قمی، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۴. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۷). منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۲). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الفهرست، نجف: المکتبة المرتضویة.
۱۷. _____ (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۸. فاکر میبدی، محمد (۱۳۹۳). مبانی تفسیر روایی، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۵). تفسیر روایی جامع، قم: دار الحدیث.
۲۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳). التفسیر الأثری الجامع، قم: مؤسسه التمهید.
۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). مصنفات، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق). أنوار الهدایة فی التعليقة علی الکفاية، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۲۵. موسوی خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ق). روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، قم: اسماعیلیان.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۷. نفیسی، شادی (۱۳۸۰). «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث» مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۰، صص ۱۱-۴۴.

